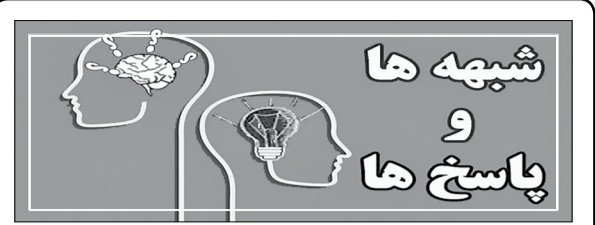


کیمیا ن



نسل پیاپمبر اکرم (ص)

از غیر حضرت زهرا (س)

ششبهه: **آیا برای رسول خدا(ص) نسلی غیر از فاطمه زهرا(س) از دختران دیگرش وجود دارد یا در گذشته وجود داشته است؟**

پاسخ: نسل پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به واسطه جایگاه آن حضرت و سفارش‌های خداوند متعال و پیامبر اکرم (ص) نسبت به تکریم اولاد آن حضرت، همیشه در بین مسلمانان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند؛ لذا کتاب‌های متعددی در مورد نسب و شجره کسنایی که به عنوان فرزندان آن حضرت در بین مسلمانان مشهور است نوشته شده است.

بالمطالعه‌ای که در کتاب‌های نسب شناسی و تاریخی انجام شد نسل آن حضرت تنها از حضرت فاطمه (س) تاکنون ادامه یافته است و دیگر فرزندان حضرت یا اصلاً صاحب فرزند نشدند یا اینکه نسل آنها ادامه پیدا نکرد.

با مروری در کتاب‌های تاریخی و نسب شناسی، به غیراز اولاد حضرت فاطمه (س) از سه نفر دیگر به عنوان نوادگان پیامبر اکرم(ص) یادشده است. در ادامه با ذکر نام این افراد به گوشه‌ای از سرگذشت آنان متناسب با سؤاا اشاره خواهیم کرد:

علی بن ابی العاص بن ربیع که فرزند زینب دختر رسول خدا بود در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) و در نوجوانی از دنیا رفت.^(۱) امامه بنت ابی العاص بن ربیع که فرزند دیگر زینب دختر رسول خدا(ص) بود. وی بعد از شهادت حضرت زهرا (س) با حضرت علی(ع) ازدواج کرد و بعدازآن حضرت با غیره بن نوفل ازدواج کرد. در مورد اینکه آیا او از این ازدواچها صاحب فرزند شد یا خیر؟ اختلاف وجود دارد. برخی قائلند که وی از این ازدواچها صاحب فرزند نشد اما برخی دیگر گفته‌اند که وی از حضرت علی(ع) فرزندی بنام محمد اوسط به دنیا آورد و از مغیره فرزندی بنام یحیی به دنیا آورد.^(۲)اما در مورد ازدواج دیگر فرزندان امامه فاطمه بنب شناسی و تاریخی ذکر نشده است و بر همین اساس می‌توان نتیجه گرفت که نسل پیامبر از دو فرزند، امامه ادامه پیدا نکرد. عبدالله بن عثمان بن عفان فرزند زینب دختر رسول خدا (ص) بود که در کودکی به سبب بیماری از دنیا رفت.^(۳)

نتیجه:

با توجه به گزارش‌هایی که در منابع تاریخی و نسب شناسی در مورد فرزندان پیامبر اکرم (ص) ذکرشده است نسل آن حضرت تنها از طریق حضرت فاطمه (س) تاکنون ادامه داشته و نسل آن حضرت از دیگر فرزندان امامه فاطمه نیافته است.

جهت مطالعه بیشتر:

در این زمینه می‌توانید به کتاب: فرزندان رسول اکرم (ص) نوشته: محمد عاشق الهی بلند شهری، ترجمه: کمال الدین دامنی، نشر طلائع، ۱۳۸۴ ش. مراجعه کنید.

- ابن حجر عسقلانی، الاصابه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۵۶۹.
- همان، ج ۸، ص ۱۲۴.
- محب طبری، ذخایرالمقبی، قاهره، مکتبه القدسی، ۱۳۵۶ ق، ۱۳۵۶ ق.

پیام پر محتوای «سلام»

اسلام برای هنگام برخورد کردن افراد با یکدیگر شاری وضع کرده است که از خود اسلام است، قبل از اسلام نبوده و ابتکار خود اسلام است: سلام، سلام علیکم.

آیا در میان همه شعارهایی که افسراد و ملت‌ها در برخورد با یکدیگر دارند، از سلام و سلام علیکم شکاری پرمعنی‌تر و عالی‌تر و متفرقی‌تر پیدا می‌کنند؟

آخر چه از این عالی‌تر؟

دو نفر به همدیگر می‌رسند، اعلامِ بسلام و سلام با یکدیگر می‌کنند. می‌گوید بسلام بر تو؛ سلامت و صفا برای تو آرزو می‌کنم. این اعلام صلح و صفاست از یک نظر.
اسلام دیدن صفا و صلح و خیر است، دین اخوت و برادری است. سلام کردن یعنی من برادر تو هستم و تو برادر من هستی و من برای برادر خودم آرزو می‌کنم (تعبیر آرزو هم غلط است، بلکه ما می‌کنم صحیح است، آرزوی مسلمان دعاست) یعنی دعا می‌کنم سلامت و تندرستی را. سلامت روحی، سلامت اجتماعی، سلام جسمی، انواع سلامت‌ها را.

❁ استاد مطهری، پانزده گفتار، ص ۱۹۲ (با تلخیص)

هدیه، تحفه و ارمان و پیشکشی است که خویشان و

دوستان برای دلگرمی برای دیگری می دهند و می‌فرستند. هدایای الهی، نشانه هدایت از روی لطف است و کسنایی که هدیه می دهند و می فرستند در انکشاف انی هستند که با تاثیر گذاری در دیگری او را به سوی امری راهنمایی و هدایت کنند که صلاح دو طرف را در آن می‌بینند. پس نوعی راهنمایی و هدایتگری و اصلاح ذات‌البین مد نظر بوده‌اند.

هدایا و تحفه‌های حقیقی، خواه مادی و خواه معنوی از امور ارزشی است که باید به آن توجه داشت و برای اهداف معنایی از آن بهره گرفت؛ زیرا اهدافی چیزی به دیگری می‌تواند افزون بر راهنمایی به حق و امر ارزشی، موجب انسجام اجتماعی شود و آثار متعدد و متنوع مثبتی به دنبال بیآورد.

ارزش برتر هدیه‌های الهی

هدیه اصطلاح قرآنی نیست به عطایایی است که از روی لطف به دیگری داده می‌شود؛ هر چند که این اصطلاح عام

هر کسی در هر مرتبه

اجتماعی باشد، لازم است که به مسئله هدیه و عطیه و نحله و صلّه توجه خاص داشته باشد؛ زیرا خدا نیز اهل هدیه است و این خود بیانگر ارزش و جایگاه بسیار مهم آن است.

است، ولی گاه به معنای خاصی به کار رفته که تحفه و پیشکشی است که از روی لطف برای دلگرمی دیگری داده می‌شود.(نمل، آیه ۲۶؛ مفردات الفاظ قرآن کریم، راقب اصفهانی، ص ۸۳۵ نثرطوبی، شعرانی، ج ۲، ص ۵۱۲)
در قرآن، واژگان دیگری غیر از هدیه به همین مفهوم پیش گفته به کار رفته است، چنان‌که قرآنی فرزندان آدم(ع) پیشکش‌هایی بود که آنان به پیشگاه خدا بردند. (مائده، آیه ۲۷)

همچنین «تحله» و پیشکش‌هایی که مرد به همسرش می‌بخشد از مصادیق هدیه به معنی خاص است.(نساء، آیه

چرا ما با آنکه می‌دانیم درخواست‌عجله خوب نیست، ولی به حکم روایات و ادعیه ماژور درخواست عجله می‌کنیم و عجله نسبت به امر ظهور این اندازه مورد تاکید قرار گرفته است؟ مراد و مقصود از عجله چیست؟ آیا عجله ارزشی و ضد ارزشی داریم؟ یا آنکه عجله نسبت به چیزی، عجله به مقدمات آن است؟ و برهش‌های دیگر، در نوشتار پیش رو به این موضوع پرداخته ایم.

❁❁❁

عجله به مقدمات

و ایجاد شرایط در فرهنگ اسلامی

عجله به معنای «انجام عمل قبل از اوان و زمان»، یک رفتار و منش ارزشی نیست، بلکه ضد ارزشی است و مردم در مقام تنقیصی دیگری می‌گویند: فانی شخصی عجلول است که شاکله شخصیت‌اش با عجله آمیخته است.

با این همه گاه از طریق روایات معتبر از عجله در برخی از امور سخن به میان آمده، چنان‌که گفته شده است: عجلوا بالصلاه قبل الفوت و عجلوا بالتوبه قبل الموت؛ به نماز عجله کنید تا فوت نشود و به توبه عجله کنید پیش از آنکه بمیرید و زمان توبه از دست برود.

شاید شما از آن جماعتی باشید که همیشه قبل از آنکه اذان گفته شود، وضو گرفته و مرتب و منظم در جای خود نشسته اید تا به استقبال نماز برود و بعد اول وقت را بپوشاید؛ زیرا بر این باورید که نماز اول وقت، اقتداء به امام زمان(عج) است که همواره نمازش را در اول وقت ولی خواند و من هم می‌خواهم همان گونه عمل کنم که امام زمانم عمل می‌کند؛ چرا که این‌گونه، رضایت او را به دست می‌آورم.
آساده بودن برای نماز اول وقت، همان حقیقت عجله برای نماز است؛ زیرا نمی‌توان نماز را پیش از موعد زمانش و خارج از وقت خواند. پس همان طوری که بعد از وقت نماز دیگر ادا نیست، بلکه نماز، قضا است، قبل از وقت نیز، نماز اصلا صحیح نیست، بلکه باطل است و ارزشی ندارد؛ چه رسد که مقبول باشد که انسان نماز را برای قبولی آن می‌خواند نه برای صحت آن فقط؛ یعنی صحت شرط لازم است، اما شرط کافی نیست؛ و کسی که نماز را قبل از زمانش بخواند، نه صحیح است نه مقبول.

بنابراین، وقتی می‌گوییم برای نماز عجله کنید، یعنی آماده باشید و در جای خود به انتظار نماز و استقبال از آن بروید تا نماز را در اول وقتش بخوانید تا این‌گونه به درک نماز اول وقت برسید.
درباره عجله برای توبه نیز همین‌گونه است؛ زیرا معنا ندارد کسی که گناهی نگذره است توبه کند؛ چون توبه به معنای بازگشت به حالت پیشین، زمانی است که شخص از مسیر اصلی و فطرت زمامتی، با گناه و خطا خارج شده باشد. آن زمان است که با توبه و بازگشت به سوی خدا بر آن است تا در مسیر اصلی اسلام و فطرت و سلامت قرار گیرد. بنابراین، وقتی گفته می‌شود که برای توبه عجله کنید، یعنی تا فرصت هست اقدام به توبه کنید و آمادگی روحی داشته باشید که اگر گناه کرده، به سرعت توبه کنید و اهل توجه و تاخیر و تسویف نباشید. ایجاد شرایط آمادگی را می‌توان با استغفار دائمی به دست آورد؛ زیرا استغفار به‌دائم استغفار است، همان طوری که با استغفار دفع گناه و خطا می‌کند و تحت مغفرت الهی از نوعی عصمت بهره مند می‌شود، همچنین استغفار رفع آثار گناه و خطا می‌کند به طوری که انسان وقتی خطا و گناه کرده، به سبب بهره مندی از استغفار از آثار و پیامدهای گناه و خطا در امان می‌ماند، بلکه حتی بالاتر و برتر از آن، رحمت الهی به به سبب او جاری می‌شود؛ زیرا یکی از اسرار مهم استغفار که حضرت نوح(ع) آشکار کرده، جلب رحمت با استغفار است.(نوح، آیات ۸ تا ۱۲)

زده شد باید حرکت کند. کسی که از قبل آماده نشده باشد در مسابقه عقب می‌افتد و شکست می‌خورد. وقتی شما در سر خط مسابقه دو برای شنیدن سوت آغاز مسابقه ایستاده‌اید، باید همه شرایط را فراهم آورده باشید؛ زیرا پس از سسوت دیگر زمان ایجاد شرایط از دست رفته است و دیگران مسابقه را برده و گوی سبقت را بروده‌اند.

در میدان جنگ و جهاد باید همه تجهیزات و نفرات از غذّه و عذّه از قبل از ششیور حمله فراهم

باشد تا پیروز میدان باشید:«اعدوا لهم ما استطعتم من قوه».(انفال، آیه ۶)
وقتی دشمن حمله کرد یا شیخون زد، اگر آمادگی و هوشیاری نداشته باشید، شکست برای شما حتمی است و شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید تا دشمن به شما فرصت آمادگی ندهد.

پس وقتی می‌گوییم برای شرایط جنگی عجله کنید، یعنی آمادگی جنگ را از قبل داشته باشید و همواره دشمن را در کمین ببینید.
عجله در ظهور
به معنای ایجاد شرایط
در فطرت خلقتی انسان عجلول بودن هست: کان الانسان عجلوا.(اسراء، آیه ۱۱)
از آیات قرآن این معنا به دست می‌آید که هستی بر اساس مشیت حکیمانه، تقدیر و اندازه شده است. بنابراین، هر چیزی دارای مقدراتی است که باید مراعات شود؛ چرا که حق و عدل در آن تقدیر است. بنابراین، خروج از تقدیر به معنای خروج از حق و عدل خواهد بود.
همان طوری که تولد بچه پیش از کامل شدن و زمان مقرر تولدش، به معنای نارس بودن اوست که یا می‌میرد یا با آسیب می‌زند، برای رخدادهای تاریخی نیز زمانی مشخص یا «اجل» است. بنابراین، مفهوم «اجل» در فرهنگ قرآنی در تقابل «عجل» خواهد بود؛ زیرا اجل به معنای زمان معین و مقدر و مسمی برای هر چیزی است که بر اساس مشیت حکیمانه مقرر شده است. پس همان طوری برای هر فرد انسانی اجل است، برای رخدادهای تاریخی

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

به سخن دیگر، همان طوری که درخواست تعجیل در عذاب از سوی کافران درخواست خلاف مشیت حکیمانه الهی و خارج از اجل است، درخواست استعجال حکومت صالحان و ظهور سوی مؤمنان بر خلاف مشیتی است که اجل مشخص و معین و مسمی و مقدر دارد.

با این همه در روایات ماژور درخواست «عجله» شده است. این نمی‌تواند جز به این معنا باشد که ما از خدا درخواست داریم تا شرایط برای ظهور فراهم

منظر واقعی کسی است که خود را از نظر علمی و عملی آماده کرده است.

او در اندیشه و انگیزه به گونه‌ای است که صد در صد از آمدن آگاه است و بر آن است تا هنگام فرارسیدن زمان تعیین‌شده ظهور از قافله عقب نماند. او همانند کسی است که در میدان مسابقه آماده شنیدن سوت آغاز مسابقه است یا مانند کسی است جنگی را قطعی می‌داند یا می‌داند بزودی صدای اذان خواهد برخاست، پس آماده برای انجام عمل است تا در زمان عمل عقب نیفتد. این همان سبقت در کار خیر و سرعت در آن است.

آید و ما بخشی از آن بستر باشیم و این آمادگی در

معین خود برویم.
در حقیقت این درخواست عجله چیزی جز انتظار حقیقی نیست. منظر واقعی نسبت به امری یا کسی یا چیزی چه کار می‌کند؟ وقتی شما منظر مهمان برای ناهار و شام هستید آیا شرایط را برای پذیرایی آماده نمی‌کنید؟ گاه شما در اصل آمدن مهمان

کسی که تجربه دوندگی نداشته باشد، نمی‌تواند در زمان مسابقه دونده خوبی باشد. بنابراین، ما در ادعیه می‌خواهیم تا خدا شرایط را به گونه‌ای فراهم کند تا در زمان ظهور بتوانیم موفق باشیم. این همان عجل در اجل است.
باید توجه داشت، تاکید بر فرهنگ عجله در امر ظهور حضرت حجت برای همان آماده‌سازی روحی و روانی است؛ زیرا اگر این فرهنگ انتظار به معنای واقعی در میان امت شکل گیرد، همگی به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویا همانند سربازان در انتظار شب حمله هستند؛ یعنی در حالت انقطاع از خلق و انابه به سوی خدا خواهند بود تا هر چه فرمان رسد بی‌درنگ انجام دهند. چنین روحیه آمادگی در میان مردم موجب می‌شود تا دوست و دشمن در کسوف در رجای حقیقی قرار گیرد و غبار و خاک نومیدی بر دل و صورت و سیرت کسی نشینند و هر کسی در هر کار خیر و رضایت الهی چنان وارد شود که موفقیت را به چشم سر می‌نگرد و به دیده دل می‌بیند.
حقیقت انتظار شیبی با درخواست عجله در فرج و ظهور، چیزی جز آماده شدن همه‌جانبه و فراگیر برای حجتی صالحان در آخر الزمان نیست. بنابراین، وقتی از خدا برای تعجیل در فرج و ظهور درخواست اجابت می‌کنیم به این معنا است که شرایط روحی و روانی ما را برای پذیرش عدالت جهانی فراهم آورد؛ زیرا بسیاری از مردم با عدالت به نفع،همراه و همگام هستند، اما با عدالت به ضرر ولو در حق خویشان، همراه میشوند.

از همین رو عدالت فراگیر و همه‌جانبه را نخواهند پذیرفت که محدودیت‌هایی را برای آنان وضع می‌کنند؛ گاه شما در اصل آمدن مهمان



می‌کند؛ اما کسی که منتظر واقعی است و تعجیل در فرج و ظهوری را درخواست می‌کند که بنیاد آن بر عدالت و اقامه قسط است، خواهان آن است که به عنوان «قوامین بالقسط شهاده له»(نساء، آیه ۱۳۵) و «قوامین له شهاده بالقسط»(مائده، آیه ۸) بتواند عدالت را بر عین علیهِ خود و خویشان اقامه کند و هیچ شکی در ساحت اندیشه و انگیزه نداشته باشد. در حقیقت از خدا تعلیم و تزکیه‌ای را می‌خواهد که او را به چنین سطحی برساند که تنها حامی ارزش‌ها و اقامه‌گر آنها در همه حروف باشد.

همچنین وقتی از حضرت صاحب الامر و الزمان(عج) می‌خواهد تا در ظهور تعجیل کند، به این معناست که او اعلام آمادگی می‌کند که حکومت حضرت را پذیرا شود و با حضرت هم می‌خواهد شرایطی را برای او فراهم آورد تا هنگام ظهور از آمادگی روحی و علمی و عملی برخوردار باشد و بتواند مصیبت‌ها و مصائب را تحمل کند و زیر بار سهمگین عدالت مهدوی(عج) خم نشود یا گرفتار انحراف از عقیده و عمل ایشان نگردد، بلکه بتواند قافله عقب نماند. او همانند کسی است که در میدان مسابقه قبل از آغاز مسابقه سوت آغاز مسابقه است یا مانند کسی است جنگی را قطعی می‌داند یا می‌داند بزودی صدای اذان خواهد برخاست، پس آماده برای انجام عمل است تا در زمان عمل عقب نیفتد. این همان سبقت در کار خیر و سرعت در آن است.
بنابراین، اسام زمان (عج) نمی‌تواند پیش از آنکه ظهوری داشته و حکومت صالحان را تشکیل دهد؛ چون او خود نیز از زمان ظهورش آگاه است و ولی‌الامر(عج) نیست تا عنایت و بذل توجهی به ما داشته باشند و با تصرف در دل ما علم و عمل را موقوف از آن چیزی قرار دهند که رضایت الهی در آن است و بتوانیم عدالت را بشناسیم و برای آن قیام کنیم.
بنابراین، درخواست تعجیل در ظهور چیزی جز اعلام آمادگی برای ظهور حضرت و درخواست عنایت از خدا و ولی‌الامر(عج) نیست تا عنایت و بذل توجهی به ما داشته باشند و با تصرف در دل ما علم و عمل را موقوف از آن چیزی قرار دهند که رضایت الهی در آن است و بتوانیم عدالت را بشناسیم و برای آن قیام کنیم.
بنابراین، درخواست تعجیل در ظهور چیزی جز تقاضای صلح و دوستی است؛ زیرا هر کس در هر مرتبه اجتماعی باشد، لازم است که به مسئله هدیه و عطیه و نحله و صلّه توجه خاص داشته باشد؛ زیرا خدا نیز اهل هدیه است و این خود بیانگر ارزش و جایگاه بسیار مهم آن است. از همین رو باید گفت که صلّه و هدیه میان افراد جامعه از جمله میان مسافران است. (نوبه، آیه ۱۰۳)
امام و امت(ز،ع، آیه ۲۱)، دولت‌مردان بلکه حتی کشورهای متخاصم(نمل، آیات ۲۵ و ۲۶) مطرح است.

و پیوند میان مردمان بلکه حتی میان امت و امام به حکم امر الهی می‌شود(ز،ع، آیه ۲۱)، بلکه می‌تواند آثار بسیاری از این میان دو طرف ایجاد کند که نخستین آن شادمانی و بلکه هیجان شدید عاطفی در قالب فرح است. (نمل، آیات ۳۵ و ۳۶)

هر کسی در هر مرتبه اجتماعی باشد، لازم است که به مسئله هدیه و عطیه و نحله و صلّه توجه خاص داشته باشد؛ زیرا خدا نیز اهل هدیه است و این خود بیانگر ارزش و جایگاه بسیار مهم آن است. از همین رو باید گفت که صلّه و هدیه میان افراد جامعه از جمله میان مسافران است. (نوبه، آیه ۱۰۳)
امام و امت(ز،ع، آیه ۲۱)، دولت‌مردان بلکه حتی کشورهای متخاصم(نمل، آیات ۲۵ و ۲۶) مطرح است.

بنابراین، گزارش‌های قرآنی، گاه شخص مستقیم هدیه می‌دهد و گاه دیگری کسنایی را برای این امر می‌فرستد؛ چنان‌که ملکه سبأ با اعزام هیبت عالی رتبه و هدایای مالی که در نظر آنان بسیار ارزشمند بود، به دربار حضرت سلیمان نبی(ع) تلاش کردند تا بیوند میان دو کشور را از حالت تهدید و خصام به حالت دوستی تبدیل کنند.(همان)
هر کس در هر مرتبه اجتماعی باشد و به عنوان فردی خاص شخصیت شناسی داشت و بر اساس شان و شئون ذاتی و نیز هیبت همراه انتخاب شود؛ زیرا عدم تحقیق دربارهٔ این ابعاد به جای آنکه آثار مثبت بگذارد می‌تواند آثار منفی داشته باشد.(همان)
پس اساس گزارش قرآنی، عدم آگاهی ملکه سبأ از نعمت‌های الهی نزد سلیمان(ع) موجب شد که هدایایی به ایشان فرستد که در نظر آن حضرت دور از شئون بود؛ زیرا حضرت سلیمان خواهان اسلام‌آوری بود نه تسلیم ظلمت و اجاره دولت و حکومت. به سخن دیگر، اگر شخصیت شناسی داشت و اطلاعات درستی کسب کرده بود، می‌توانست اهداف آن حضرت(ع) را بشناسد و بر اساس آن هدیه مناسب انتخاب کرده و ارسال کند.(همان)
برخورد‌های بسیار عزائمی برای دادن هدیه نشان می‌دهد که ملکه سبأ، بلکه درباریان ناآگاه نسبت به شخصیت و اهداف حکومت و دولت سلیمان(ع) بوده‌اند. افتخار به هدایا و مغرور شدن به اموال و هدایای ارسانی، نشان‌دهنده عدم شناخت این امر است.(همان)
بنابراین، هر کسی هدیه‌ای می‌دهد یا می‌فرستد می‌بایست نسبت به شخصیت هدیه‌گیرنده شناخت مناسبی داشته باشد و هدیه‌ای مناسب‌باشان او بدهد.(شماخت)

هدایای الهی چیزی جز

هدایت انسان به سوی کمال
و ارزش‌های الهی – انسانی نیست؛ خواه این هدایا نعمت‌های معنوی چون اسلام و حکمت و امامت و مانند آنها باشد و خواه نعمت‌های مادی از قدرت و ثروت باشد چنان‌که خدا همه این هدایا را به حضرت سلیمان(ع) بخشیده تا در مسیر هدایت از آن بهره گیرد.(نمل، آیات ۳۵ و ۳۶)

دستیابی به تقرب به معصومان از پیامبر(ص) و امام(ع) و در نهایت تقرب الی الله به عنوان عروه الوثقی و حیل الله المعین مطرح است.

از نگاه قرآن، هدایا آثار دیگری دارد که همانا «فرح» حقیقی برای مؤمنان در آخرت است؛ هر چند که مردم به طور فطری نسبت به هدایایی که می‌دهند یا می‌گیرند، فرحاک می‌شوند.(نمل، آیات ۳۵ و ۳۶)

باید توجه داشت که هدایای الهی که هدایایی از روی لطف و تفضل خداست به بندگان به ویژه بندگان خاص خویش است، چنان ارزشمند است که وقتی نسبت به هدایای دیگران ندیده و ارزشگذاری می‌شود، هدایای دیگران ارزش و اعتباری ندارد و هیچ‌وقت تاثیر مثبتی در شخص نمی‌گذارد(همان)؛ زیرا هدایای الهی از منبع غنی لایزال الهی است و کسی که به آن دست‌رسی داشته باشد احساس نیاز به هدایای دیگران نمی‌کند(همان). البته وقتی هدایای دیگران با نگرش و انگیزه الهی داده می‌شود، این نیز در همان سطح هدایای الهی ارزشمند می‌شود؛ چنان‌که هدایا و عطایا و صلح‌ها به معصومان(ع) این‌گونه است.(ز،ع، آیه ۲۱؛ روایات تفسیری)

هدیه رسائی

از نگاه قرآن، هدیه دادن و هدیه گرفتن امری مهم و ارزشی است؛ زیرا نه تنها «صله»‌ها موجب وصل و اتصال

و پیوند میان مردمان بلکه حتی میان امت و امام به

حکم امر الهی می‌شود(ز،ع، آیه ۲۱)، بلکه می‌تواند آثار

بسیار از این میان دو طرف ایجاد کند که نخستین آن

شادمانی و بلکه هیجان شدید عاطفی در قالب فرح است. (نمل، آیات ۳۵ و ۳۶)

هر کسی در هر مرتبه اجتماعی باشد، لازم است که به مسئله هدیه و عطیه و نحله و صلّه توجه خاص داشته باشد؛ زیرا خدا نیز اهل هدیه است و این خود بیانگر ارزش و جایگاه بسیار مهم آن است. از همین رو باید گفت که صلّه و هدیه میان افراد جامعه از جمله میان مسافران است. (نوبه، آیه ۱۰۳)
امام و امت(ز،ع، آیه ۲۱)، دولت‌مردان بلکه حتی کشورهای متخاصم(نمل، آیات ۲۵ و ۲۶) مطرح است.

بنابراین، گزارش‌های قرآنی، گاه شخص مستقیم هدیه می‌دهد و گاه دیگری کسنایی را برای این امر می‌فرستد؛ چنان‌که ملکه سبأ با اعزام هیبت عالی رتبه و هدایای مالی که در نظر آنان بسیار ارزشمند بود، به دربار حضرت سلیمان نبی(ع) تلاش کردند تا بیوند میان دو کشور را از حالت تهدید و خصام به حالت دوستی تبدیل کنند.(همان)

هر کس در هر مرتبه اجتماعی باشد و به عنوان فردی خاص شخصیت شناسی داشت و بر اساس شان و شئون ذاتی و نیز هیبت همراه انتخاب شود؛ زیرا عدم تحقیق دربارهٔ این ابعاد به جای آنکه آثار مثبت بگذارد می‌تواند آثار منفی داشته باشد.(همان)
پس اساس گزارش قرآنی، عدم آگاهی ملکه سبأ از نعمت‌های الهی نزد سلیمان(ع) موجب شد که هدایایی به ایشان فرستد که در نظر آن حضرت دور از شئون بود؛ زیرا حضرت سلیمان خواهان اسلام‌آوری بود نه تسلیم ظلمت و اجاره دولت و حکومت. به سخن دیگر، اگر شخصیت شناسی داشت و اطلاعات درستی کسب کرده بود، می‌توانست اهداف آن حضرت(ع) را بشناسد و بر اساس آن هدیه مناسب انتخاب کرده و ارسال کند.(همان)
برخورد‌های بسیار عزائمی برای دادن هدیه نشان می‌دهد که ملکه سبأ، بلکه درباریان ناآگاه نسبت به شخصیت و اهداف حکومت و دولت سلیمان(ع) بوده‌اند. افتخار به هدایا و مغرور شدن به اموال و هدایای ارسانی، نشان‌دهنده عدم شناخت این امر است.(همان)
بنابراین، هر کسی هدیه‌ای می‌دهد یا می‌فرستد می‌بایست نسبت به شخصیت هدیه‌گیرنده شناخت مناسبی داشته باشد و هدیه‌ای مناسب‌باشان او بدهد.(شماخت)

و پیوند میان مردمان بلکه حتی میان امت و امام به

حکم امر الهی می‌شود(ز،ع، آیه ۲۱)، بلکه می‌تواند آثار

بسیار از این میان دو طرف ایجاد کند که نخستین آن

شادمانی و بلکه هیجان شدید عاطفی در قالب فرح است. (نمل، آیات ۳۵ و ۳۶)

هر کسی در هر مرتبه اجتماعی باشد، لازم است که به مسئله هدیه و عطیه و نحله و صلّه توجه خاص داشته باشد؛ زیرا خدا نیز اهل هدیه است و این خود بیانگر ارزش و جایگاه بسیار مهم آن است. از همین رو باید گفت که صلّه و هدیه میان افراد جامعه از جمله میان مسافران است. (نوبه، آیه ۱۰۳)
امام و امت(ز،ع، آیه ۲۱)، دولت‌مردان بلکه حتی کشورهای متخاصم(نمل، آیات ۲۵ و ۲۶) مطرح است.

بنابراین، گزارش‌های قرآنی، گاه شخص مستقیم هدیه می‌دهد و گاه دیگری کسنایی را برای این امر می‌فرستد؛ چنان‌که ملکه سبأ با اعزام هیبت عالی رتبه و هدایای مالی که در نظر آنان بسیار ارزشمند بود، به دربار حضرت سلیمان نبی(ع) تلاش کردند تا بیوند میان دو کشور را از حالت تهدید و خصام به حالت دوستی تبدیل کنند.(همان)

هر کس در هر مرتبه اجتماعی باشد و به عنوان فردی خاص شخصیت شناسی داشت و بر اساس شان و شئون ذاتی و نیز هیبت همراه انتخاب شود؛ زیرا عدم تحقیق دربارهٔ این ابعاد به جای آنکه آثار مثبت بگذارد می‌تواند آثار منفی داشته باشد.(همان)
پس اساس گزارش قرآنی، عدم آگاهی ملکه سبأ از نعمت‌های الهی نزد سلیمان(ع) موجب شد که هدایایی به ایشان فرستد که در نظر آن حضرت دور از شئون بود؛ زیرا حضرت سلیمان خواهان اسلام‌آوری بود نه تسلیم ظلمت و اجاره دولت و حکومت. به سخن دیگر، اگر شخصیت شناسی داشت و اطلاعات درستی کسب کرده بود، می‌توانست اهداف آن حضرت(ع) را بشناسد و بر اساس آن هدیه مناسب انتخاب کرده و ارسال کند.(همان)
برخورد‌های بسیار عزائمی برای دادن هدیه نشان می‌دهد که ملکه سبأ، بلکه درباریان ناآگاه نسبت به شخصیت و اهداف حکومت و دولت سلیمان(ع) بوده‌اند. افتخار به هدایا و مغرور شدن به اموال و هدایای ارسانی، نشان‌دهنده عدم شناخت این امر است.(همان)
بنابراین، هر کسی هدیه‌ای می‌دهد یا می‌فرستد می‌بایست نسبت به شخصیت هدیه‌گیرنده شناخت مناسبی داشته باشد و هدیه‌ای مناسب‌باشان او بدهد.(شماخت)

و پیوند میان مردمان بلکه حتی میان امت و امام به

حکم امر الهی می‌شود(ز،ع، آیه ۲۱)، بلکه می‌تواند آثار

بسیار از این میان دو طرف ایجاد کند که نخستین آن

شادمانی و بلکه هیجان شدید عاطفی در قالب فرح است. (نمل، آیات ۳۵ و ۳۶)

هر کسی در هر مرتبه اجتماعی باشد، لازم است که به مسئله هدیه و عطیه و نحله و صلّه توجه خاص داشته باشد؛ زیرا خدا نیز اهل هدیه است و این خود بیانگر ارزش و جایگاه بسیار مهم آن است. از همین رو باید گفت که صلّه و هدیه میان افراد جامعه از جمله میان مسافران است. (نوبه، آیه ۱۰۳)
امام و امت(ز،ع، آیه ۲۱)، دولت‌مردان بلکه حتی کشورهای متخاصم(نمل، آیات ۲۵ و ۲۶) مطرح است.

بنابراین، گزارش‌های قرآنی، گاه شخص مستقیم هدیه می‌دهد و گاه دیگری کسنایی را برای این امر می‌فرستد؛ چنان‌که ملکه سبأ با اعزام هیبت عالی رتبه و هدایای مالی که در نظر آنان بسیار ارزشمند بود، به دربار حضرت سلیمان نبی(ع) تلاش کردند تا بیوند میان دو کشور را از حالت تهدید و خصام به حالت دوستی تبدیل کنند.(همان)

هر کس در هر مرتبه اجتماعی باشد و به عنوان فردی خاص شخصیت شناسی داشت و بر اساس شان و شئون ذاتی و نیز هیبت همراه انتخاب شود؛ زیرا عدم تحقیق دربارهٔ این ابعاد به جای آنکه آثار مثبت بگذارد می‌تواند آثار منفی داشته باشد.(همان)
پس اساس گزارش قرآنی، عدم آگاهی ملکه سبأ از نعمت‌های الهی نزد سلیمان(ع) موجب شد که هدایایی به ایشان فرستد که در نظر آن حضرت دور از شئون بود؛ زیرا حضرت سلیمان خواهان اسلام‌آوری بود نه تسلیم ظلمت و اجاره دولت و حکومت. به سخن دیگر، اگر شخصیت شناسی داشت و اطلاعات درستی کسب کرده بود، می‌توانست اهداف آن حضرت(ع) را بشناسد و بر اساس آن هدیه مناسب انتخاب کرده و ارسال کند.(همان)
برخورد‌های بسیار عزائمی برای دادن هدیه نشان می‌دهد که ملکه سبأ، بلکه درباریان ناآگاه نسبت به شخصیت و اهداف حکومت و دولت سلیمان(ع) بوده‌اند. افتخار به هدایا و مغرور شدن به اموال و هدایای ارسانی، نشان‌دهنده عدم شناخت این امر است.(همان)
بنابراین، هر کسی هدیه‌ای می‌دهد یا می‌فرستد می‌بایست نسبت به شخصیت هدیه‌گیرنده شناخت مناسبی داشته باشد و هدیه‌ای مناسب‌باشان او بدهد.(شماخت)

و پیوند میان مردمان بلکه حتی میان امت و امام به

حکم امر الهی می‌شود(ز،ع، آیه ۲۱)، بلکه می‌تواند آثار

بسیار از این میان دو طرف ایجاد کند که نخستین آن

شادمانی و بلکه هیجان شدید عاطفی در قالب فرح است. (نمل، آیات ۳۵ و ۳۶)

هر کسی در هر مرتبه اجتماعی باشد، لازم است که به مسئله هدیه و عطیه و نحله و صلّه توجه خاص داشته باشد؛ زیرا خدا نیز اهل هدیه است و این خود بیانگر ارزش و جایگاه بسیار مهم آن است. از همین رو باید گفت که صلّه و هدیه میان افراد جامعه از جمله میان مسافران است. (نوبه، آیه ۱۰۳)
امام و امت(ز،ع، آیه ۲۱)، دولت‌مردان بلکه حتی کشورهای متخاصم(نمل، آیات ۲۵ و ۲۶) مطرح است.

بنابراین، گزارش‌های قرآنی، گاه شخص مستقیم هدیه می‌دهد و گاه دیگری کسنایی را برای این امر می‌فرستد؛ چنان‌که ملکه سبأ با اعزام هیبت عالی رتبه و هدایای مالی که در نظر آنان بسیار ارزشمند بود، به دربار حضرت سلیمان نبی(ع) تلاش کردند تا بیوند میان دو کشور را از حالت تهدید و خصام به حالت دوستی تبدیل کنند.(همان)

هر کس در هر مرتبه اجتماعی باشد و به عنوان فردی خاص شخصیت شناسی داشت و بر اساس شان و شئون ذاتی و نیز هیبت همراه انتخاب شود؛ زیرا عدم تحقیق دربارهٔ این ابعاد به جای آنکه آثار مثبت بگذارد می‌تواند آثار منفی داشته باشد.(همان)
پس اساس گزارش قرآنی، عدم آگاهی ملکه سبأ از نعمت‌های الهی نزد سلیمان(ع) موجب شد که هدایایی به ایشان فرستد که در نظر آن حضرت دور از شئون بود؛ زیرا حضرت سلیمان خواهان اسلام‌آوری بود نه تسلیم ظلمت و اجاره دولت و حکومت. به سخن دیگر، اگر شخصیت شناسی داشت و اطلاعات درستی کسب کرده بود، می‌توانست اهداف آن حضرت(ع) را بشناسد و بر اساس آن هدیه مناسب انتخاب کرده و ارسال کند.(همان)
برخورد‌های بسیار عزائمی برای دادن هدیه نشان می‌دهد که ملکه سبأ، بلکه درباریان ناآگاه نسبت به شخصیت و اهداف حکومت و دولت سلیمان(ع) بوده‌اند. افتخار به هدایا و مغرور شدن به اموال و هدایای ارسانی، نشان‌دهنده عدم شناخت این امر است.(همان)
بنابراین، هر کسی هدیه‌ای می‌دهد یا می‌فرستد می‌بایست نسبت به شخصیت هدیه‌گیرنده شناخت مناسبی داشته باشد و هدیه‌ای مناسب‌باشان او بدهد.(شماخت)

و پیوند میان مردمان بلکه حتی میان امت و امام به

حکم امر الهی می‌شود(ز،ع، آیه ۲۱)، بلکه می‌تواند آثار

بسیار از این میان دو طرف ایجاد کند که نخستین آن

شادمانی و بلکه هیجان شدید عاطفی در قالب فرح است. (نمل، آیات ۳۵ و ۳۶)

هر کسی در هر مرتبه اجتماعی باشد، لازم است که به مسئله هدیه و عطیه و نحله و صلّه توجه خاص داشته باشد؛ زیرا خدا نیز اهل هدیه است و این خود بیانگر ارزش و جایگاه بسیار مهم آن است. از همین رو باید گفت که صلّه و هدیه میان افراد جامعه از جمله میان مسافران است. (نوبه، آیه ۱۰۳)